گزارش جام جم از حال و روز کافه دانتیسم هشت ماه بعد از یک افتتاح جنجالی

دانتیسم آن سوی هیاهو

عکس: چاوش همایونی

مینا مولایی
جامعه

روزنامه‌ها نوشتند طعم امید در متفاوت‌ترین کافه ایران، خبرنگارها پشت در کافه صف کشیدند و خبرگزاری‌ها به این کافه لقب بی‌رقیب را دادند؛ جایی با یک پذیرایی باورنکردنی، یک پذیرایی با طعمی متفاوت. کافه دانتیسم را آن روزها همه دوست داشتند، همه برایش هورا می‌کشیدند، حامی‌اش بودند. از آن روزها تا حالا چیزی حدود هشت ماه می‌گذرد و حالا کافه دانتیسم به خوبی روزهای اولش نیست. بچه‌های سندرم داون و اوتیسمی که در این کافه مشغول به کار شده‌اند و کارشان از ابتدا با تحسین همه همراه بوده، حالا در میانه راه انگار بدجوری تنها مانده‌اند.

جایی حوالی میدان ونک، در طبقه دوم یکی از پاساژهای قدیمی منطقه، از اردیبهشت امسال کافه‌ای افتتاح شده که با بقیه کافه‌های کشورمان فرق دارد؛ البته اینجا هم همان کاپوچینو، هات چاکلت، دمنوش بهارنارنج و چای لته و کیک هویج و ... برای مشتری‌ها سرو می‌شود. تفاوت کافه دانتیسم با بقیه کافه‌ها اما درآمدهایی است در کافه مشغول به کارند؛ بچه‌هایی که بعضی‌هایشان یک کروموزوم اضافه‌تر نسبت به بقیه دارند و بعضی هایشان مدتهاست با بیماری اوتیسم (درخودماندگی) درگیرند؛ جماعتی که تا حالا فرصتی برای کار و فعالیت رسمی در جامعه نداشتند و حالا چند ماهی است این فرصت به آنها داده شده تا خودی نشان بدهند و به بقیه هم ثابت کنند که می‌توانند.

جذابیت اداره یک کافه توسط همین بچه‌ها، اتفاقی بود که از همان روزهای افتتاح کافه خیلی‌ها را به اینجا کشاند، آدم‌هایی که آمده بودند ببینند واقعا می‌شود از صفر تا صد یک کافه توسط بچه‌های سندرم داون و اوتیسم اداره شود؟! باور توانایی این بچه‌ها به زمان زیادی احتیاج نداشت، آنها خودشان را خیلی زود نشان دادند، جوری که انگار می‌خواستند علاوه بر بقیه به خودشان هم ثابت کنند اگر بخواهند، اگر اراده کنند، اگر شرایط فراهم باشد، اگر حمایت شوند، می‌توانند.

حالا اما یک پای این اگرها می‌لنگد، بچه‌های اوتیسم و سندرم داون به‌سختی هشت ماه چراغ کافه شان را روشن نگه داشته‌اند و این روزها زمزمه‌های خوبی از کافه‌شان به گوش نمی‌رسد. زمزمه‌هایی که آیلین آگاهی، مدیر و موسس کافه دانتیسم می‌گوید حقیقت است؛ آگاهی که از ۱۷ سال پیش تا همین حالا مربی بچه‌های سندرم داون و اوتیسم است و به‌واسطه همین آشنایی، ایده راه‌اندازی کافه‌ای با کارکنان سندرم داون و اوتیسم به ذهنش رسیده، به ما می‌گوید: این بچه‌هایی که الان در کافه کار می‌کنند همگی شاگردان من هستند و هدف من هم از افتتاح این کافه این بود که می‌خواستم بقیه مردم هم توانمندی‌های آنها را ببینند، همان‌طور که من در این مدت با توانمندی‌های این بچه‌ها آشنا شده بودم، اما متاسفانه هیچ حمایتی از ما نشد.

سررشته گلایه‌های مدیر کافه دانتیسم به سازمان بهزیستی می‌رسد، نهادی که به گفته او قرار بود حامی اصلی بچه‌های کافه دانتیسم باشد و حالا پشت‌شان را خالی کرده. توضیحات بیشتر را از زبان خود آیلین آگاهی بخوانید: «وقتی می‌خواستیم این کافه را راه بیندازیم، از سازمان بهزیستی کمک خواستم، قرار بود در پول پیش اینجا، اجاره، خرید وسایل مورد نیاز و... کمک حال ما باشند و در عوض من هم همه جا بگویم که این کافه با کمک و حمایت سازمان بهزیستی راه‌اندازی شده و فعالیت می‌کند. اما بعد از سه هفته، حتی دیگر جواب تلفن مرا هم ندادند و فقط نفری سه میلیون تومان به حساب ۹ تا از خانواده‌های بچه‌های ما ریختند و گفتند اگر پولی می‌خواهی از آنها بگیر که من هم هیچ‌وقت از خانواده بچه‌های بیمار کمک نمی‌گیرم و الان چند ماهی است که اینجا را به سختی اداره می‌کنم.»

مدیر کافه دانتیسم در ادامه می‌گوید: «۷۰ میلیون پول پیش کافه را مجبور شدم با قرض کردن از ۱۵ نفر جور کنم، ماهی یک میلیون و ۸۰۰ هزارتومان اجاره کافه است، ماهی یک میلیون و ۷۰۰ هزارتومان شارژ کافه است، زیره ۹۰۰ هزارتومان قبض برق برای ما نمی‌آید، زیر دو میلیون تومان بچه‌ها خسارت نمی‌زنند، همه اینها باعث شده که دردو ماه اخیر ۱۱ میلیون تومان هم از جیبم هزینه کنم و واقعا ادامه راه برای من سخت شده. با این‌که این اولین کافه در جهان است که توسط خود بچه‌های سندرم داون و اوتیسم اداره می‌شود و من امیدوار بودم که همکاری بهتری با آنها صورت بگیرد، اما این اتفاق نیفتاده و شرایط برای ادامه کار آنها خیلی سخت شده است.»

آگاهی اما می‌گوید که باوجود همه این سختی‌ها فقط به خاطر ذوق و شوق و انگیزه بچه‌هایی که از صبح تا شب اینجا فعال هستند، فعلا کافه را سرپا نگه‌داشته: «باورکنید اگر واکنش مثبت بچه‌ها نبود قطعا دوماه پیش اینجا را بسته بودم، اما وقتی می‌بینم اینها این‌قدر با انگیزه از سر صبح اینجا حاضر هستند، حتی زودتر از شیفت شان می‌آیند تا نوبت‌شان برسد، دلم نمی‌آید در کافه را ببندم.»

ادامه گلایه‌های مدیر کافه دانتیسم به فعالیت این کافه در پاساژ آیینه ونک هم می‌رسد، به جایی که آگاهی می‌گوید انگار خیلی علاقه‌ای به حضور بچه‌های سندرم داون و اوتیسم در پاساژشان ندارند، آن‌قدر که بگویند: شرایط را برای ماندن ما در پاساژ سخت‌تر کرده‌اند. شهاب ناجی، مدیریت پاساژ آیینه ونک اما به ما می‌گوید: پاساژ قوانینی دارد که باید رعایت شود و استثنا هم ندارد، اما این‌که بخواهند در مشاعات حضور داشته باشند صندلی بچینند یا نظم راهرو را به هم بریزند، خلاف قوانین اینجاست. ما با حضور بچه‌های کافه دانتیسم در اینجا مخالف نیستیم اما شاید اینجا از اول جای مناسبی برای فعالیت آنها نبوده و باید از ابتدا یک فضای بزرگ‌تری را خارج از یک پاساژ برایشان در نظر می‌گرفتند.» گفت‌وگوی ما با چند مغازه‌داری که همسایه کافه دانتیسم هم هستند به دو نظر متفاوت می‌رسد، همسایه‌های طبقه بالایی که دقیقا مجاور کافه هستند، از سروصدای بچه‌ها دل‌خوشی ندارند و می‌گویند حضور آنها مناسب فضای اداری طبقه دوم پاساژ نیست و با این حال همسایه‌های طبقه پایین می‌گویند سروصدای بچه‌ها مشکلی برایشان ایجاد نکرده و باید از فعالیت آنها حمایت شود.

با این حال در کافه فعلا برای بچه‌هایی که اینجا مشغول هستند و جمعیت‌شان در بعضی از ساعات روز به ۱۷ نفر هم می‌رسد باز است، شیفت بچه‌ها هر سه ساعت عوض می‌شود و هنوز اسم ۱۹۰ نفر در فهرست ذخیره کار در کافه نوشته شده تا هر زمان که جا بود، فرصت فعالیت و حضور در جامعه برای آنها هم فراهم شود.

من مهدی کافه هستم!

زندگی+

«عزیزان، این کافه خاص برای بچه‌های خاص است، پس صبور باشید تا پذیرای شما باشند» این جمله را قطعا در هیچ کافه دیگری جز کافه دانتیسم روی دیوار نمی‌بینید، اینجا اما چندجا این جمله تکرار شده تا یاد مشتری‌ها بیاورد که برای حاضر شدن سفارش‌هایشان کمی صبورتر از کافه‌های دیگر باشند.

مشتری‌ها البته در این کافه یک اسم دیگر دارند، بچه‌های کافه به آنها می‌گویند حامی، چون با حضورشان حامی بقای آنها شده‌اند.

مهدی یکی از بچه‌های فعال همین کافه است، یک جوان ۳۱ ساله که از سال‌ها قبل به‌واسطه بیماری‌اش یعنی کم‌توانی ذهنی، شاگرد آیلین آگاهی بوده و حالا همین آشنایی او را هم به جمع بچه‌های اوتیسم و سندرم داون در این کافه اضافه کرده است.

خودش را برای ما با یک عنوان خاص معرفی می‌کند، مهدی کافه! همان اسمی که بچه‌ها داخل کافه صدایش می‌زنند، آن‌وقت او برای ما هم می‌شود مهدی کافه، کسی که از ۹ صبح تا ۳ بعد از ظهر پشت کانتر کافه بار دانتیسم به مشتری‌ها سرویس می‌دهد.

مهدی اینجا چه کار می‌کنی؟

کلید دارم، در کافه را ۹ صبح باز می‌کنم، بعد ساعت ۳ هم اینجا را تحویل بچه‌های شیفت بعد می‌دهم. وقتی می‌رسم آب را می‌گذارم بجوشد تا آماده باشد بعد صندلی‌ها را جابه‌جا و کافه را تمیز می‌کنم. همه چیز را مرتب می‌کنم. مشتری‌ها هر سفارشی هم داشته باشند آماده می‌کنم.

اینجا را دوست داری؟

خیلی دوست دارم، چون اینجا با دوستان حرف می‌زنم و با مردم هم دوست می‌شوم.

قبل از این‌که اینجا کار کنی چه کار می‌کردی؟

بیکار بودم. خانه بودم، حوصله‌ام سر می‌رفت ولی الان خیلی خوب است.

قبلا کافه رفته بودی؟

نه، این اولین کافه عمرم است.

کدام کار اینجا را بیشتر دوست داری؟

همه‌اش را دوست دارم.

اگر بخواهی از منوی کافه سفارش بدهی چه چیزی سفارش می‌دهی؟

نسکافه شکلاتی را خیلی دوست دارم.

از اول بلد بودی نسکافه و... درست کنی؟

نه، ما باریستاکار داریم. او به ما یاد داد.

اینجا بیشتر چه وقت‌هایی مشتری می‌آید؟

بیشتر عصرها اما قبلا خیلی شلوغ‌تر بود. مردم دیگر خیلی نمی‌آیند، شاید آدرس ما را پیدا نمی‌کنند. اوایل بیشتر می‌آمدند.

چه آرزویی داری؟

آرزو دارم روزی یک مغازه از خودم داشته باشم.

که کافه‌اش بکنی؟

نه فرقی نمی‌کند... اما دوست دارم برای خودم کار کنم.

اینجا الان چند نفرید؟

زیادیم، اما خیلی‌ها هم توی نوبت هستند و دوست دارند اینجا کار کنند که نمی‌شود، جا نداریم.

به کافه دانتیسم تسهیلات داده‌ایم

گلایه‌های مدیر کافه دانتیسم را ما به گوش معاون توانبخشی سازمان بهزیستی کشور می‌رسانیم، او اما مسؤولی است که نسبت به این گلایه‌ها واکنش نشان می‌دهد. حسین نحوی نژاد به ما می‌گوید: ایده راه‌اندازی کافه دانتیسم با هدف مشارکت اجتماعی مبتلایان به سندرم داون و اوتیسم ایده خوب و نوآورانه‌ای بود، اما این طرح در قالب یک گروه و تشکل به سازمان بهزیستی ارائه نشد، بلکه موسس این کافه به شکل فردی از تسهیلات سازمان بهزیستی بهره‌مند شد. سازمان بهزیستی هم با هدف حمایت معنوی از مبتلایان به سندرم داون و اوتیسم، این تسهیلات را در اختیار صاحب ایده این کافه قرار داد.

نحوی نژاد تاکید می‌کند: سازمان بهزیستی از همان ابتدا تمام حمایت‌های خود را برای راه‌اندازی این کافه به کار برد، اما هیچ جایی گفته نشده که سازمان بهزیستی باید تا انتهای یک کسب و کار هزینه آن را پرداخت کند.

به گفته نحوی نژاد، سازمان بهزیستی از ابتدا از این طرح که تعدادی از کودکان مبتلا به سندرم داون و اوتیسم را وارد فضای کار و اشتغال کرده بود، حمایت کرده و با این حال مدتی بعد از راه‌اندازی کافه دانتیسم، گردانندگان آن با خانواده کودکانی که در این محل شاغل بودند، دچار مشکل و چالش شدند و به‌دنبال این اختلافات ابتدا سازمان بهزیستی بنا داشت

میانجیگر این اختلاف باشد و در نهایت هم با میانجیگری برخی سازمان‌های مردم نهاد، مشکل تا حدی برطرف شد.

معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در ادامه با اشاره به نحوه حمایت سازمان بهزیستی از راه‌اندازی کسب و کار برای معلولان یا سایر افراد تحت پوشش این سازمان می‌گوید: این افراد به دو شکل می‌توانند از تسهیلات و حمایت‌های سازمان بهزیستی بهره‌مند شوند. مورد اول زمانی است که متقاضیان به شکل فردی به سازمان مراجعه می‌کنند و مورد دوم نیز به زمانی است که افراد به شکل گروهی و تشکلی در قالب راه‌اندازی کارگاه‌ها و... خواستار دریافت تسهیلات هستند. در این حالت آنها باید حتما برای راه‌اندازی کسب و کارشان، در کنار طرح و برنامه اقتصادی، مجوز نیز داشته باشند.

با تمام این تفاسیر به نظر می‌رسد بچه‌های مبتلا به سندرم داون و اوتیسمی که در این کافه مشغول به کار هستند، درگیرودار اختلاف نظر مدیریت کافه و مسؤولان سازمان بهزیستی، تنها مانده‌اند و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظار آنها و متفاوت‌ترین کافه ایران است.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#میدان-تره‌بار
جعفری از تهران:
آسفالت میدان میوه وتره بار مرکزی شهر تهران بسیار نامناسب و پر از چاله است و نیاز به رسیدگی دارد.

#خیابان-وحشت
رجبیان از تهران:
سرقت و زورگیری در خیابان کبریت‌سازی در منطقه فدائیان اسلام باعث رعب و وحشت ساکنان این محله شده است. از نیروی انتظامی محترم درخواست رسیدگی دارم.

#آبخیزداری
فیوضی از اراک:
چرا مسؤولان جهت جمع‌آوری آب‌های بارانی و سطحی اقدامی اساسی صورت نمی‌دهند تا دیگر در فصول گرم شاهد کم آبی مخصوصا در عرصه کشاورزی نباشیم؟

#خدمات-بیمه
گوران از قائمشهر:
بیمه آتیه‌سازان حافظ با وجود دریافت به موقع حق بیمه از بیمه‌شدگان خود، در بازپرداخت هزینه‌های پزشکی کوتاهی می‌کند و هزینه‌ها را نمی‌پردازد.

#پارکومتر-پارک
جان‌خوش از تهران:
در بیشتر خیابان‌های تهران با وجود تابلوهای پارک ممنوع، شهرداری اقدام به نصب پارکومتر کرده است تا علاوه بر درآمدزایی، به نوعی به قانون نیز عمل نکند.

#آبگرفتگی
شکوری از تهران:
آبگرفتگی در حاشیه بلوار میرداماد به علت نبود شیب مناسب برای هدایت آب به کانال فاضلاب در روزهای بارانی مشکلاتی را برای عابران به وجود می‌آورد.

#بسته-حمایتی
صبوری از قم:
مبلغ بسته‌های حمایتی که توسط دولت اعلام شد ۶۰۰ هزار تومان بود ولی مبلغ پرداختی توسط دولت به مردم ۲۰۰ هزار تومان بود. چرا؟

#احتکار-دولت
جمالی از رشت:
به نظر می‌رسد برخورد و نظارت بر بازار و احتکارکنندگان توسط دولت کاهش پیدا کرده است و دیگر نظارتی بر سودجویان وجود ندارد.

#تورم-مستاجر
کشاورز از تهران:
تورم در بخش مسکن فشار بسیار زیادی را به مستاجران و اقشار ضعیف آورده است.
امیدوارم دولت از این افراد حمایت کند. این روزها جوانان برای شروع زندگی مشترک با مشکل جدی تهیه مسکن روبه‌رو هستند.